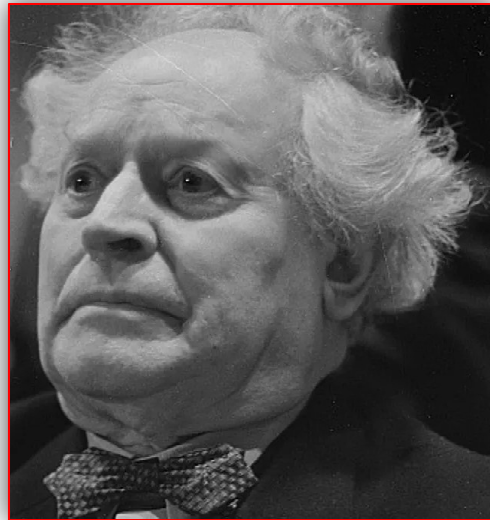


آندرسن نکسو، نویسنده پرولتاریایی (۳)



توفان آراز

سال های پسین

۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ جشنی به مناسبت هفتادوششمین سال تولد نکسو در "پارک فیلد" (Fælledparken) به ابتکار ارگان مرکزی حزب کمونیست، که حال از روزنامه کارگر به Land og Folk (کشور و مردم) تغییر نام داده بود، و با شرکت قریب ۸۰/۰۰۰ تن برگزار گردید. در آن زمان مذاکرات - یا صحیح تر مذاکرات ظاهری - درمورد ائتلاف یا درهر حال همکاری نزدیک دو حزب کارگری وقت سوسیال دموکرات و حزب کمونیست جریان داشت. نکسو نسبت به چنان امری شکاک بود. او در سخنرانش در جشن گفت: " از ائتلاف احزاب کارگری سخن گفته می شود - بلی، همکاری فکر خوبی است. ولی ما نباید باهم بخوابیم، ما باید بیدار و هوشیار باشیم و برای یک دانمارک بهتر و زیبا کار کنیم." نکسو سپس به حضار شنونده خاطره اعتصابات را یادآور شد، که در ۱۹۴۳ دولت را مجبور از متوقف ساختن سیاست همکاریش با قدرت اشغالگر ساخت، و به حضار اندرز داد، که سلاح اعتصاب را ترک نکنند. او در خاتمه سخنرانش از حضار خواست، که مکان شان را نه فقط در ملت، بلکه هم چنین در میان هموعان بیابند.



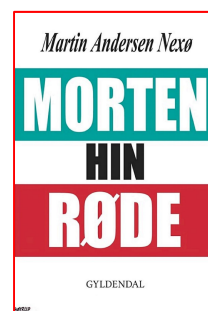
نکسو در حال سخنرانی در " پارک فیلد" (۱۹۴۵) - استقبال از نکسو پس از بازگشت به دانمارک (۱۹۴۵)

نکسو در سال های پسین حیات طرحی را که مدتی در ذهن خود ریخته بود، محقق ساخت، و آن عبارت از نگارش سه "رُمان خاطراتی" بود: **مورتن سُرخه** در دو جلد، **نسل ازدست رفته** و **Jeanette** (ژانت) (ناتمام، به چاپ رسیده در ۱۹۵۷ پس از درگذشت نکسو). این رُمان های خاطراتی دارای سرگذشت خو-بشند. هنگامی که نکسو در ۱۹۲۱ از نگارش رُمان بزرگ **دیده فرزند انسان** فارغ گردید، اندیشه نگارش رُمان دیگری را در سر داشت، که می باید به نوعی تداوم **پله فاتح** با توصیف کمونیسم ظفرمند باشد. اما از آن جا که سال های بعد نشانگر ظفرمندی کمونیسم نبودند، نگارش چنان رُمانی به تعویق افکنده شده، و بعد به جای آن سه "رُمان خاطراتی" به نگارش درآمده بود: **مورتن سُرخه** در دوره اقامت در خارج، پس از دستگیری و فرارش نوشته شد. آن ابتداء به سوئدی به صورت داستان مسلسل در اوت ۱۹۴۴ در روزنامه کمونیستی **Ny dag** (روز نو) در استکهلم و سپس در پائیز ۱۹۴۵ به صورت کتاب از سوی انتشارات فرهنگ کارگری (**Arbetarkulturs förlag**) با تیراژ ۳/۰۰۰ نسخه منتشر گردید. کتاب در اکتبر سال مزبور به دانمارکی نیز انتشار یافت.

مورتن سُرخه و **نسل ازدست رفته** هر دو دارای عنوان فرعی "رُمان خاطراتی" هستند. از حیث شرح تاریخ و وقایع "رُمان های خاطراتی" ادامه **خاطرات** چهار جلدی نکسو می باشند. **خاطرات** به صورت شرح حال شخصی تا سفر نخست نویسنده به جنوب (۱۸۹۴-۹۶) را دربرمی گیرند. **مورتن سُرخه** شرح وقایع را تا سال ۱۹۱۷ پیش می برد، **نسل ازدست رفته** شرح وقایع تا ۱۹۲۳ است، و **ژانت** ناتمام ادامه شرح وقایع تا قریب ۱۹۴۰ می باشد. **خاطرات** نکسو شرح حال او با تمرکز بر تکامل درونی نویسنده هستند، درحالی که شخص اصلی "رُمان های خاطراتی" **مورتن (Morten)** – نماینده شخص نکسو – به نظر نمی رسد تکامل یا بلوغی را ازسربه گذراند. نویسنده همه جا نظرات او را محقانه می داند. "رُمان های خاطراتی" هم چنین می توانند به صورت جزوات سیاسی محتوی موضوع روز ملاحظه شوند. پله تجسم زنده سوسیال دموکراسی و **مورتن** تجسم زنده کمونیسم هستند. **مورتن سُرخه** در دانمارک در اکتبر ۱۹۴۵، تنها یک هفته پیش از نخستین انتخابات مجلس پسا آزادی دانمارک از اشغال انتشار یافت. رُمان به سبب انتقاد گزنده اش از **حزب سوسیال دموکرات** به صورت یک طرح موضوعی در مبارزه انتخاباتی در زمان ناکامی مذاکرات بر سر ائتلاف سوسیال دموکرات ها و کمونیست ها استنباط شد، در صورتی که کتاب – چنان که ذکر شد – بیش از یک سال زودتر از آن به سوئدی تحت جنگ درآمده بود. حتی استنباط نکسو از سوسیال دموکراسی مطابقتی با خط **حزب کمونیست** در آن نقطه زمانی ندارد. توصیفات سیاست داخلی زمان چند درجه چپ تر از خط **حزب کمونیست** قرار دارند، و بیش تر یادآور استنباط فرقه گرایانه **کمینترن** از احزاب سوسیال دموکرات به صورت "سوسیال – فاشیستی" از هفتمین کنگره جهانی آن در ۱۹۲۸ به بعد می- باشد. اما آراء نامطمئن نکسو در حوزه سیاست خارجی –

برخلاف سیاست داخلی – اغلب در تطابق با خط حزب بود.

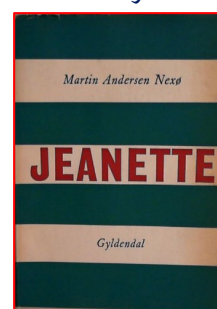
چاپ اول **مورتن سُرخه** در ۶/۰۰۰ نسخه، چاپ دوم در ۴/۰۰۰ نسخه و چاپ سوم در ۴/۰۰۰ نسخه انتشار یافتند. رُمان در زمان حیات نکسو به روسی در اتحاد شوروی (پیشین) در ۱۹۴۷، به اوکراینی در جمهوری شوروی سوسیالیستی اوکراین در ۱۹۵۰ و بالاخره در ۱۹۵۳ به صورت جلد چهارم مجموعه آثار نکسو به روسی (در ۷۵/۰۰۰ نسخه) منتشر شد. این "رُمان خاطراتی" در سمنتی کردن تصویر نکسو به



روی جلد **مورتن سُرخه**



روی جلد **نسل از دست رفته**



روی جلد **ژانت**

صورت کمونیست مادرزاد سهیم بود. رُمان در چکسلواکی(پیشین) در ۱۹۴۸ در ۴/۰۰۰ نسخه، در جمهوری دموکراتیک آلمان(پیشین) در ۵۲-۱۹۴۹، در لهستان در ۱۹۴۹، در لتلند در ۱۹۵۰ در ۱۰/۰۰۰ نسخه، در لیتوانی در ۱۹۵۰ در ۵/۰۰۰ نسخه، در بلغارستان در ۱۹۵۴ در ۸/۰۰۰ نسخه منتشر شده است. در اروپای غربی رُمان به نروژی در ۱۹۴۶ و به هلندی در ۱۹۴۸ بیرون آمده است.

ماه پس از انتشار **مورتن سُرخه**، از نکسو کتاب تازه ای تحت عنوان **Breve til en Landsman**(نامه ها به یک هموطن) در نوامبر ۱۹۴۵ در ۴/۵۰۰ نسخه و چاپ دوم در دسامبر آن سال در ۲/۵۰۰ نسخه منتشر

شد. کتاب مجموع نامه هایی است به یک رفیق قدیم سوسیال دموکرات. اکثر نامه ها پیشاپیش اصلاً به صورت مقالات چشمگیر و اساسی از نوامبر ۱۹۴۳ تا نوامبر ۱۹۴۴ در روزنامه کمونیستی **روز نو** به چاپ رسیده بودند. موضوعات داغ و دارای فعلیت بودند، و از رویکرد طبقات مختلف جامعه دانمارک به اشغال کشور، آزادی خواهی و عشق به میهن گرفته تا ناتوانی سوسیال دموکراسی آلمان برای مقاومت در برابر نازیسم و موافقت سوسیال دموکراسی دانمارک با سیاست همکاری دولت وقت با قدرت اشغالگر در کشور مربوط می شدند. کتاب با نامه ای به مهاجرین ضدفاشیست آلمانی توأم با فصولی درباره اتحاد شوروی (پیشین) تحت جنگ جهانی، شامل اغلب دستنویس های سخنرانی های نکسو در رادیو مسکو پایان می یافت. لحن نکسو در کتاب تلخ، محتوای کتاب آموزنده و گرایش سیاسی در آن یکسان با گرایش سیاسی در **مورتن سُرخه** بود.

نکسو (۱۹۵۴)



یک مسئله عمده و پیچیده پس از جنگ جهانی دوم مسئله آلمان بود. در ۱۹۴۸ بریتانیا، فرانسه و آمریکا مصمم به برقراری یک دولت آلمان در سه منطقه تحت اشغال شان گردیدند، و برآیند آن تشکیل جمهوری فدرال آلمان(بی.دی.)(Bundesrepublik Deutschland(BD)) بود. سپس اتحاد شوروی(پیشین) در ۱۹۴۹ یک دولت آلمان دیگر، کمونیستی، در منطقه اشغالی خود برقرار ساخت، که به جمهوری دموکراتیک آلمان (دی.دی.آر.)(Deutsche Demokratische Republik(DDR)) موسوم شد. گفتنی است، که اندیشه برقراری یک دولت کمونیستی در آلمان از پیش در ۱۹۴۳ در اتحاد شوروی(پیشین)، پس از نبرد استالینگراد (Stalingrad) تکوین یافته بود. شکل دولت کمونیستی آلمان به این صورت بود، که اداره نظامی شوروی آلمان شرقی جایش را به یک کمیسیون غیرنظامی سپرد، و دی.دی.آر از استقلال بیش تری، تحت کنترل شوروی (پیشین) برخوردار شد. از ۱۹۵۰ دی.دی.آر به عضویت همکاری اقتصادی اروپای شرقی (کُمکون)(KOMECON)، که در ۱۹۴۹ به ابتکار شوروی(پیشین) برقرار گشت، درآمد. در ۱۹۵۱ نخستین برنامه پنج ساله مشابه شوروی(پیشین) در دی.دی.آر به اجرا گذاشته شد. تا ۱۹۵۴ دی.دی.آر متعهد به تأمین خسارت جنگ به اتحاد شوروی(پیشین) بود. از حیث بنای اقتصادی دی.دی.آر بسیار عقب مانده تر از جمهوری فدرال آلمان بود، که از "کمک مارشال"(Marshallhelp) برخوردار گردیده بود. امکان شرکت در یک آزمایش تجربی سوسیالیسم در جمهوری کارگری و دهقانی(Arbeiter – und – Bauern – Staat)، که دولت آلمان شرقی از ۱۹۵۲ خود را رسماً چنان نامید، کم و بیش نیم میلیون آلمانی را از جمهوری فدرال به دی.دی.آر جذب کرد.^{۳۷} جذابیت دیگر دی.دی.آر پاک سازی دستگاه اداری کشور، ارتش و زندگی اشتغالی از وجود نازیست ها، برخلاف جمهوری فدرال آلمان، که نازیست های پیشین سریعاً مشاغل شان در آن جا را از نو به دست آوردند، بود. نکسو جزو موج مهاجرین به دی.دی.آر بود، که پس از شکست نازیسم مصمم به سهیم شدن در بنای یک آلمان نوین، ضدفاشیستی و سوسیالیستی بودند. با کلمات یکی از فرزندان نکسو، مای نکسو هان(May Nexø Hahn) در ۲۰۰۱: " او شاهد بنای سوسیالیسم بود، نه زوال آن."(Er erlebte den Aufbau des Sozialismus, nicht seinen Verfall) روشن نیست، که برداشت و استنباط نکسو در صورت ادامه حیاتش از تکامل آتی دی.دی.آر و اتحاد شوروی(پیشین) و فرجام کارشان به صورت

دولت ها چگونه می بود. نکسو نظری درمورد قیام در برلین شرقی(پیشین) و سایر شهرهای دی.دی.آر در ۱۷ ژوئن ۱۹۵۳، که به وسیله نیروهای نظامی شوروی(پیشین) سرکوب گردید(و آن بحران سیاسی جدی رژیم دی.دی.آر بود) نداده، برعکس دوستش برتولت برشت(Bertolt Brecht)(۱۸۹۸-۱۹۵۶)، که آن قیام را به اشکال چندی تفسیر کرده، ابتداء به حمایت انتقادی از حزب وحدت کمونیستی (اس.ای.دی)(SED) پرداخته است. اما شناخته ترین واکنش برشت به آن قیام شعر "Die Lösung"(راه حل)(۱۹۵۳) می باشد.^{۳۸}



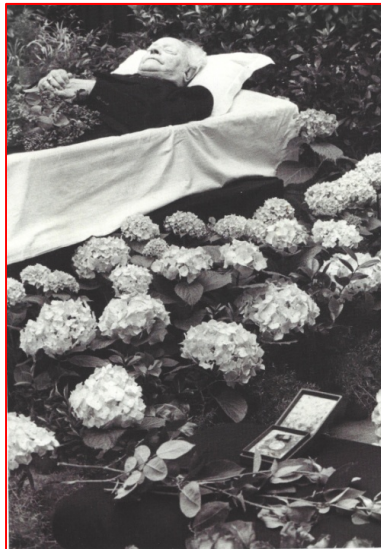
قیام ۱۹۵۳ در آلمان شرقی(پیشین)

نکسو در تابستان ۱۹۴۹ به منطقه شوروی(پیشین) در آلمان سفر کرد. به او در آن جا دکترای افتخاری در دانشگاه قدیمی گریفسوالد(Griefswald)، بنیان گذاری شده در ۱۴۵۶، اعطاء شد. بعد در همان سال نکسو دکترای افتخاری در دانشگاه لپزیگ(Leipzig) را نیز دریافت داشت. نکسو در اکتبر ۱۹۴۹ ناظر تبدیل شدن منطقه اشغالی شوروی(پیشین) به جمهوری دموکراتیک آلمان با ویلهلم پیک(Wilhelm Pick)(۱۸۹۴-۱۹۶۴) به عنوان نخست وزیر بود. البته قدرت واقعی پشت پیک را والتر اولبریش(Walter Ulbricht)(۱۸۹۳-۱۹۷۳) با روابط تنگاتنگش با مسکو در اختیار داشت. او معمار اس.ای.دی بود، و در ۱۹۵۰ به ریاست کمیته مرکزی حزب انتخاب شد. در ۱۹۵۲ تهیه کننده اصلی برنامه بنای سوسیالیسم با نمونه شوروی(پیشین) در دی.دی.آر بود. نکسو در رابطه با تشکیل دولت نو در آلمان شرقی به دانمارک نوشت: "۱۲ اکتبر مقدمه انقلاب حقیقی و نهایی آلمان است، دوره انقلابات ناکام به اتمام رسیده است." نکسو به همراه خانواده اش به دعوت شهردار درسدن(Dresden) والتر ویداور(Walter Weidauer) در ۱۹۵۱ در درسدن - که در آخر جنگ با بمب افکن های انگلیسی و آمریکایی به کل بمباران و ویران شده، تلفات انسانی سنگینی برجای مانده بود - اقامت گزید. به نکسو در ۱۹۵۳ عنوان شهروند افتخاری در درسدن اعطاء گردید.

نکسو در ۱ ژوئن ۱۹۵۴ دیده از جهان فروبست.

پیش از درگذشت نکسو، از مسکو به طور پوشیده به او پیشنهاد شده بود، که پس از درگذشتش به نشانه احترام کالبدش پای دیوار کرملین دفن گردد، ولی نکسو فوراً پیشنهاد را با این پاسخ رد کرده بود، که او دانمارکی است، و ترجیح می دهد در زادگاهش دانمارک دفن شود.

در دانمارک مراسم به خاک سپاری نکسو در ۵ ژوئن در کپنهاگ برگزار شد. حزب کمونیست دانمارک مراسم را یک رویداد حزبی با اهمیت بین المللی توصیف کرد. شخصیت های زیادی از ممالک مختلف



نکسو در آرامش ابدی

در مراسم شرکت جستند: سفیر اتحاد شوروی (پیشین)، سفرای جماهیر خلقی (ممالک بلوک شرق) و سفرای ممالک دیگری از آن میان مکزیک، نمایندگان احزاب کمونیست چند کشور. داوطلبان پیشین در جنگ داخلی اسپانیا برضد فاشیسم فرانکو و مبارزین مقاومت از جنگ جهانی دوم، هم چنین نمایندگان اتحادیه های صنفی از سرتاسر دانمارک، مدیر انتشارات بزرگ "گیلدندال" (Gyldendal) و نمایندگان نویسندگان دانمارک در مراسم حضور داشتند. اما درخور توجه و شگفتی است، که هیچ مقام یا نماینده رسمی از طرف دولت دانمارک، پارلمان یا شهرداری کپنهاگ در مراسم به خاک سپاری آن نویسنده خلاق بزرگ با اشتها بین المللی و نیز با اهمیت بلامنازع یک ادیب ملی شرکت نداشت! افزون بر شخصیت های مذکور، شمار کثیری از مردم عادی برای آخرین وداع با آفریننده پله و دیته، که به آنان هویت داده، شجاعت بخشیده، و امید و آرزوی شان برای یک دنیای بهتر و انسانی تر را با قوی ترین و مؤثرترین واژه های درخور فکر به بیان درآورده بود، در مراسم به خاک سپاری آن نویسنده، که از آنان بود، و همیشه بدون تزلزل با آنان مانده بود، حاضر شدند.

مراسم به خاک سپاری نکسو از حیث نوع و حجم به خاطر آورنده مراسم مشابه نویسندگان و آموز- گاران خلق مورد ستایش نکسو بود، مهم ترین شان مراسم به خاک سپاری نویسنده بزرگ هوگو در ۱ ژوئن ۱۸۸۵ در پانتئون (Panthéon) در پاریس. نکسو یکی از اختران فروزان در سپهر ادبیات پرولتاریایی جهان گردید.

روشنگری ها و پانوشت ها

^۱ جهت آشنایی بیش تر با حیات سیاسی پیو می توانید رک:

Jens Engberg: *Liv eller død! Louis Pio og arbejderbevægelsen*, København, 1979.

Henning Tjørnehøj: *Louis Pio: folkevækkeren*, København, 1993.

^۲ Martin Andersen Nexø: *Erindringer*, bd.I, 1.udg., s.138, Denmark, 1932.

^۳ *Erindringer*, bd.I, s.193f.

^۴ *Erindringer*, bd.I, s.200f.

^۵ *Erindringer*, bd.I, ss.372-73.

^۶ پس از پایان جنگ جهانی اول (۱۸-۱۹۱۴) با شکست پروس بخش شمالی اسلسویگ در ۱۹۲۰ به دانمارک بازگردانده شد. بخش جنوبی آن ضمیمه خاک آلمان باقی ماند.

^۷ مدارس پی رو اصول تربیتی نیکلای فردریک سورین گرونتویگ (Nicolai Frederik Severin Grundtvig) (۱۸۷۲-۱۷۷۳)، نویسنده و متخصص الهیات. اصول او که به "مسیحیت شاد" (Den glade kristendom) موسوم بود.

^۸ *Erindringer*, Bd.II, s.374, Denmark, 1935.

^۹ همان، ص ۴۳۹.

^{۱۰} دربارهٔ حیات سیاسی و ادبی براندس می‌توانید رجوع کنید به مقالهٔ "درباب براندس" از توفان آراز در تارنمای ادبی - هنری **حضور**، مهر ۱۴۰۰.

^{۱۱} این نوع مدارس در دانمارک عبارت از مدارسی هستند که روش آزادتری در تدریس را دنبال می‌کنند، و از نوع مدارس مذهبی یا وابسته به گروه‌های سیاسی می‌باشند.

^{۱۲} Raymond Carr: **Spanien 1808 - 1939**, 1966; Manuel Tunón de Lara: **El Movimiento Obrero en la Historia de España 1832 - 1936**, I-III, 1977.

^{۱۳} ماشینی کردن جریان کار چند سال بعد منجر به آن شد، که شمار زنان کارگر به تقریباً ۳/۰۰۰ در ۱۹۰۶ کاهش یافت. ولی زمانی که نکسو قبلاً بین سال‌های ۱۹۰۲-۰۳ از آن کارخانه دیدن می‌کرد، شمار زنان کارگر تنباکو افزایش بی‌سابقه‌ای داشته است.

^{۱۴} گزیدهٔ نامه‌ها و تأملات سفر نکسو در جنوب در کتاب او با عنوان **Rejse i Syden (سفر به جنوب)** به کوشش بورگه هومان (Børge Houmann) در ۱۹۷۹ در دانمارک منتشر شده است.

^{۱۵} "جریان‌ات اساسی در ادبیات سدهٔ نوزدهم" (Hovedstrømninger i det 19. Aarhundredes Literatur) جلد سوم **Samlede Skrifter** (مجموعهٔ نوشته‌ها)ی براندس، منتشر شده در ۱۹۰۰ در کپنهاگ را تشکیل می‌دهد.

^{۱۶} Nexø: **Samlede Fortællinger**, III, s.123ff, København, 2013.

^{۱۷} جریانی متشکل از اندیشه‌ها و نظرات براندس.

^{۱۸} Dansk Litteraturhistorie, bd.7: *Demokrati og kulturkamp, 1901 - 45*, 3.udg., s.143, København, 2000.

^{۱۹} Politiken, 22.september 1898.

^{۲۰} Breve fra Martin Andersen Nexø 1937 - 1945, s.393, brev nr. 751 af 9.juni 1952 til Alexander Dymnitz.

^{۲۱} København, 20.november 1900.

^{۲۲} Rømhild: **Martin Andersen Nexø's forfatterskab før "Pelle Erobreren"**, upubliceret, s.103f, citeret i Henrik Yde: "Efterskrift" til Nexø: **Samlede Fortællinger**, IV, s.79, København, 2013.

^{۲۳} نقل از John Fjord Jensen: **Turgenjev i dansk åndsliv**, København, 1961.

^{۲۴} نخستین برگردان فارسی **بینوایان** به وسیلهٔ عنایت‌الله شکیباپور در ۱۳۴۷ در تهران منتشر شده است.

^{۲۵} **مورتن سُرخه** به شکلی ادامهٔ **پله فاتح** و **خاطرات** نکسو است. مورتن تصویر قلمی شخص نکسو در رُمان را تشکیل می‌دهد. آن توصیف می‌کند، که چگونه دو دوست قدیم، پله و مورتن، به علت تضادهای سیاسی از یکدیگر فاصله می‌گیرند. **حزب سوسیال دموکرات** پله را به مقام شهردار منصوب می‌کند. او به نمایندگی در مجلس نیز برگزیده می‌شود. از حیث سیاسی و همزمان اجتماعی ترقی می‌کند. پله، که زمانی از اعتماد مطلق کارگران برخوردار بوده، اکنون بین او و کارگران شکافی ایجاد شده است. درحالی که پله به قلهٔ قدرت می‌رسد، مورتن زندگی سختی را از سر می‌گذراند. رُمان توصیف مبارزه بین سوسیالیسم خُرده بورژوازی و سوسیالیسم انقلابی است، و به این گونه با یکی از مسائل عمدهٔ جنبش کارگری در زمان نکسو اشتغال می‌یابد.

مورتن سُرخه نیز با رُمان دیگری تحت عنوان **نسل اُزدست رفته** ادامه می‌یابد، و مربوط به اواخر جنگ جهانی اول و تا زمان ۱۹۲۳ می‌باشد.

نکسو در سال‌های پسین حیاتش سرگرم نگارش رُمان دیگری نیز که می‌باید به اتمام رسانندهٔ **پله فاتح** باشد، بود. او تصمیم داشت در آخر رُمان پایانی از سال‌های سخت و دشوار پیشا جنگ جهانی دوم، که نازیسم تهدید کننده پشت دروازهٔ دانمارک ایستاده بود، از دورهٔ اشغال دانمارک (۴۵-۱۹۴۰)، از حبشش در بازداشتگاه، فرارش به سوئد، سفرش به مسکو، شکست آلمان نازی و آزادی دانمارک به نویسد، ولی موفق به اتمام اثر، که آن را **ژانت** نامید، نگردید. با وجود این نکسو در آن توفیق ترسیم تصویری از آخر فاصلهٔ زمانی بین دو جنگ جهانی، که طی آن هیولای عظیم نازیسم در آلمان به پیروزی رسیده، و در اثر آن در دانمارک ناامنی و سردرگمی تسلط یافته بود، را داشته است.

^{۲۶} Politiken, 21.marts 1909.

^{۲۷} Politiken, 14.november 1910.

^{۲۸} برای جنبش **پرولت کولت** می‌توانید رجوع کنید به مقالهٔ "سیاست فرهنگی در شوروی پیشین از انقلاب اکتبر تا استواری سانت‌الیزاسیون" از توفان آراز در تارنمای **هفته**، سال دهم، مارس ۲۰۱۷، سال یازدهم، آوریل ۲۰۱۷، آوریل ۲۰۱۷، یا در تارنمای شخصی نویسنده.

^{۲۹} **بین الملل دوم** در ۱۸۸۹ بنیان گذاری شد. آن تحت تسلط سوسیال دموکراسی‌های قوی اروپای غربی قرار داشت. با آغاز جنگ جهانی اول در نتیجهٔ سیاست متضاد احزاب عضو درقبال جنگ منحل شد.

^{۳۰} در ۱۸ مارس ۱۸۷۱ **گُمون پاریس** به صورت یک رژیم انقلابی اعلان گردید، و آن کم عمر بود، و از کارگران، روشنفکران، مستخدمین ادارات و نمایندگان خُرده بورژوازی ترکیب یافت. بورژوازی فرانسه با پشتیبانی پروس **گُمون** را سرکوب ساخت. آخرین سنگر آن در ۲۸ مه سال مزبور سقوط کرد، و تخمیناً ۳۰/۰۰۰ کمونارد کشتار شدند.

گُمون پاریس، به طوری که هنری لفیور (Henri Lefebvre) (۹۱-۱۹۰۱) تأیید می‌کند، میوهٔ "سازش" یک نوع "جبههٔ مشترک" پی‌روان پرودون و میخائیل باکونین (Mikhail Bakunin) (۷۶-۱۸۱۴) از یک سو و ژاکوبینیست‌ها و بلانکیست‌ها از سوی دیگر بود. هم مارکسیست‌ها و هم آنارشیک‌ها رویداد **گُمون پاریس** را مؤید صحت نقطه نظرات‌شان می‌دانستند. اما شکی نیست، که ایدئولوژی کموناردها بسیار بیش‌تر هنجاریه از اندیشه‌های فدرالیستی و ضدولت آنارشیک‌ها بود تا از اندیشه‌های مرکزگرایانهٔ مارکسیست‌ها. البته این بدان معنا نیست، که **گُمون پاریس** آنارشیک‌بستی بوده باشد، که مسلماً نبود. قیام

کموناردها به شیوه مرکزگريزانه و به وسیله یک حزب سیاسی هدایت نگردید. آن دارای ماهیت خودرو و مردمی بود. پس از برجیده شدن دستگاه دولت بورژوازی، یک شورای کمونال انقلابی، که همزمان کارکردهای قوای مقننه و مجریه را برعهده گرفت، جانشین آن گردید. اعضاء شورا مرکب از نمایندگان مستقیماً برگزیده با اختیارات مقید بودند.

^{۳۱} در صفحه ۱۱۳ **نسل از دست رفته** سیاستمدار و دیپلمات شوروی (پیشین) ماکسیم ام. لیتوینوف (Maksim M. Litvinov) (۱۹۵۱-۱۸۷۶)، که در ۱۹۲۰ چند هفته به عنوان مهمان در منزل نکسو سکونت داشته است، به مورتن (نماینده نکسو در ژمان) این درس را آموخت.

^{۳۲} سال پس از سقوط رژیم تزاری در ۱۹۱۷ در اثر انقلاب فوریه روسیه، جنگ داخلی ویرانگر و خونی در این کشور آغاز گشت، که به مدت چهار سال، یعنی تا ۱۹۲۱ به طول انجامید.

متفقین که درصدد پیش گیری از ثبات یافتن بلشویسم در روسیه بودند، به مساعدت مالی و تسلیحاتی قابل توجه به ضد-انقلاب پرداختند. این مساعدت با مداخله نظامی متفقین در روسیه به نقطه اوجش رسید. ۱ ژوئیه ۱۹۱۸ ۴/۰۰۰ نفر از نیروهای متفقین در خاک روسیه وجود داشتند. ۲ اوت همان سال شمار سربازان متفقین به ۱۰/۰۰۰ نفر رسید. ۴ سپتامبر ۴/۵۰۰ سرباز آمریکایی و در آغاز نوامبر ۷/۰۰۰ سرباز ژاپنی به نیروهای مداخله گر خارجی ملحق شدند.

لویس فیشر (Louis Fischer) (۱۸۹۶-۱۹۷۰) در زیستنامه **The Life of Lenin (زندگانی لنین)** (۱۹۶۴) درباره جنگ داخلی و آثار آن در روسیه چنین نوشته است: "جنگ داخلی روسیه از ۱۹۱۷ [۱۹۱۸] تا ۱۹۲۱ یک اقدام طولانی، پرهزینه، فاجعه آمیز بود. آن اقتصاد کشور را به ویرانی کشید و مردمی را که پیشاپیش طی سه سال و نیم جنگ جهانی امتحان سخت خود را داده بودند، جنگی که به بدی تدارک دیده شده، و به بدی به وسیله یک سلطنت و دیوان سالاری (بوروکراسی) فاسد هدایت گردیده بود، به آلام بی نهایت دچار ساخت. جنگ سفیدها علیه سرخ ها چندین میلیون نفر را در معرض بیماری های مسمری قرار داد: این به منزله تضعیف شدید خون، مغز و دارایی روسیه بود. دستجات کودکان بی سرپرست و بزرگ سالان بی کاشانه در شهر و ده سرگردان بودند و برای بقاء یا صرفاً میل به تخریب دست به قتل و سرقت می زدند. کشور زمانی آن قدر طولانی در آغوش مرگ به سر برده بود، که خشونت عادی تر از روابط آرام گردید. زندگی یک انسان بیش تر یا کم تر فرق نازلی داشت. این مشی به بهای زندگی ده هاهزار انسان تمام شد.

جنگ داخلی میراثی از بی قانونی و نابودی جسمانی برجای گذارد. آن دو ویژگی را در روان روس برجسته ساخت، ویژگی-هایی که متناقض و درعین حال مکمل اند: گرایش به آناششی و اطاعت جویی محض. بلشویسم می باید اولی را متوقف و دومی را تقویت کند."

جنگ داخلی عواقب مصیبت باری در روسیه داشت. آثار آن در کلیه عرصه های حیات مملکت ژرف و نگران کننده بود.

صنایع به سختی آسیب دیده، سیستم حمل و نقل دچار اختلال شده بود.

مجموع فراورش (تولید) صنعتی در ۱۹۲۱ تقریباً برابر ۳۰٪ در ۱۹۱۴، فراورش کشاورزی در حدود ۶۰٪ آن سال بود، و تجارت خارجی تقریباً متوقف گردید. سطح جمعیت در کلیه شهرهای بزرگ و مراکز صنعتی کاهش یافت. جمعیت مسکو به نصف رسید. شمار کل کارگران صنعت که در ۱۹۱۷ ۲ میلیون و ۶۰۰/۰۰۰ نفر بود، در ۱۹۲۰ به نیم میلیون نفر کاهش یا-فت. در فاصله سال های ۲۱-۱۹۱۴ در روسیه تقریباً ۲۶ میلیون نفر نابود شدند. به محاسبه ای محتاطانه ضایعه اقتصادی به ۶۰ میلیارد دلار- مبلغی کلان به پول آن زمان- سر می زد. (Carl Grimberg (1875-1941): **Verdenshistorien**, bd.16, s.337, København, 1977).

گرسنگی مسئله کمرشکنی برای مملکت بود. موارد مستند عدیده آدمخواری وجود داشت. یک چهارم جمعیت روسیه، یعنی ۳۵ میلیون نفر، دچار گرسنگی بودند.

تصاویر مؤثری از اوضاع روسیه را از جمله بوریس پاسترناک (Boris Pasternak) (۱۹۶۰-۱۸۹۰) در **ژمان دکتر ژيوگو** (۱۹۵۶) و فنودور گلدکوف (Fjodor Gladkov) (۱۸۸۳-۱۹۵۴) در **ژمان سیمان** (۱۹۲۵) ثبت کرده اند.

در سطح سیاسی، جنگ داخلی روسیه هنایش تعیین کننده اش را در اتحاد طبقات کارگر و دهقان داشت.

^{۳۳} "نپ" مخفف "سیاست اقتصادی نوین" (Novaja Ekonomičeskaja Politika (NEP)) را لنین در مارس ۱۹۲۱ به دهمین کنگره حزب معرفی و آن را به تصویب رساند.

نکته اساسی در "نپ" اتحاد بین دهقانان و کارگران بود، که ظاهراً مکان مهمی در استنباط لنینیستی از روابط ویژه انقلاب اشغال نموده بوده باشد.

"نپ"، اما، برخلاف انتظار لنین و بلشویک های گروه او در واقع موجب مرتبط گردیدن بیش از پیش دهقانان به اقتصاد سرمایه داری و دوری افزون شان از اصل جمع گرایی حزب شد. و بدتر از آن، "نپ" سرمایه داران، تجار، معامله گران، دلالان و صاحبان صنایع را باززاد.

"نپ" موجب بهبودی نسبی وضع دهقانان، خاصه کولاک ها (قشر دهقانان مرفه) گردید. اما آن قادر به حل مسئله تهدید-آمیز گرسنگی در سال های اول اجرایش نشد.

وضع طبقه کارگر با پیاده شدن "نپ" دشوارتر گردید. مزدها به یک سوم زمان پیشا جنگ کاهش یافت، یعنی به حداقل ضرور برای زندگی رسید. نرخ بی کاری بالا رفت. همزمان از تعداد اعضای طبقه کارگر کاسته شد: رقم مزدگیران از تقریباً ۱۱ میلیون در ۱۹۱۳ به ۶ میلیون در ۲۲-۱۹۲۱ رسید. شمار کارگران صنعت از نصف کم تر گردید.

وضع زنان نیز سخت شد. در سال های ۲۲- ۱۹۲۱ تقریباً ۷٪ بی کاران(= ۳۷/۹۳۴ نفر) را زنان تشکیل می دادند. زنان که در ۱۹۱۷ ۴۰٪ نیروی کار در صنعت بودند، طی دهه ۲۰ ۳۰٪ نیروی کار در صنعت را تشکیل می دادند، و مزد میان گین شان تقریباً ۴۰٪ مزد میان گین مردان بود.

با به کار افتادن "نپ" هزینه مؤسسات خدماتی ویژه زن و خانواده از بودجه دولت حذف گردیده، تأمین آن به اتحادیه های کارگری، تعاونی ها، کارگاه های محلی و غیره محول گشت، با این نتیجه که بیش تر آن مؤسسات تعطیل شدند، به طوری که در آغاز ۱۹۲۲ جمعاً ۲/۱۲۴ مؤسسه(مؤسسات مرتبط با رابطه مادر - کودک، حتی مشاوره طبی مخصوص زنان باردار و مشابه آن) دایر بودند، درحالی که در ۱۹۲۳ تعداد این مؤسسات خدماتی به ۱/۲۱۳ باب کاهش یافت.

تجارت به ابتکار خصوصی واگذار گشت. دیگر بار سیستم های بازار به کار افتادند، و سوداگران بازار سیاه در هیئت خُرده بورژواهای قانونی(موسوم به "جماعت نپ" یا به قول بعضی "بارون های نپ") ظاهر شدند.

با نزدیکی ۱۹۲۵ اوضاع اقتصادی تدریجاً بهبود یافت. مزدها به آرامی بالا رفتند، و در سال مزبور تقریباً به حد زمان پیشا جنگ رسیدند. میزان محصول نیز تا اندازه چشمگیری بهتر گشت. در همان سال فرآورش عمده کشاورزی ۱۲۲٪ نسبت به فرآورش پیشا جنگ بود، و فرآورش صنعت، پس از رکود پنج ساله، به سه چهارم فرآورش پیشا جنگ رسید.

"نپ" در ۱۹۲۸ ترک شد، و جای آن را برنامه های پنج ساله گرفتند.

گفتنی است، که با "نپ" شالوده "سرمایه داری انحصاری دولتی" - که عملاً دولت را به کارفرمای طبقه کارگر تبدیل می- ساخت - ریخته شد، که در دوره زمامداری استالین نهادینه گردید.

^{۳۴} بلُنسکی اصطلاح "مدرسه کار" را از آموزگار آلمانی جورج کریشنستیرنر(Georg Kreischensteiner)(۱۸۵۴-۱۹۳۲) اخذ کرده بود. هدف کریشنستیرنر تبدیل کودک به شهروند بالغ بود، و در این رابطه کار عملی نقش مهمی داشت. اما بعد اندیشه کر- یشنستیرنر به نظر بلُنسکی کهنه رسید. آن نه معطوف به جامعه صنعتی زمان بلُنسکی، بلکه به یک فرهنگ صنعت دستی رو به نابودی بود.

^{۳۵} بین براندیس و کروپوتکین نامه نگاری های درازمدتی صورت گرفته است. برگردان فارسی گزیده آن ها تحت عنوان "نامه- نگاری های ژرژ براندیس و پیتر کروپوتکین" به وسیله توفان آراز در پنج بخش به همراه پیشگفتار برگرداننده در تارنمای عصر آناشیسیم، اکتبر ۲۰۲۱، نوامبر ۲۰۲۱، دسامبر ۲۰۲۱، ژانویه ۲۰۲۲، فوریه ۲۰۲۲ منتشر شده است.

^{۳۶} به نظر پیتر مانیکه(Peter Manniche)(۱۸۸۹-۱۹۸۱) مؤسس و مدیر مدرسه عالی بین المللی، جنبش مدرسه عالی تورینگن "تحت تأثیر فرهنگستانیان آرمان گرای فلسفی از دوایر بورژوازی لیبرال یا "اجتماعی گرا"، متخصصین الهیات و فیلسو- فان و اقتصاددانان ملی قرار داشت."

^{۳۷} Hans-Ulrich Stoldt: "Geth doch nach drüben!", Spiegel online, 7.Juni 2015.

^{۳۸} برای این قیام و چگونگی رویکرد برشت به آن می توانید رجوع کنید به بخش پسین بررسی "تعهد سیاسی برشت" از توفان آراز در تارنمای شخصی نویسنده.

* هیچ انسانی تکرار انسان دیگری

نیست، و خود هرگز نمی تواند

تکرار شود.*

* بالانشینان آفتاب را به امانت برده-

اند، و فراموش شان شده که برش-

گردانند.*

مارتین آندرسن نکسو